

حقوق مکتسب در نظام حقوقی اتحادیه اروپا

حسن سواری *

آرش رحیمی مهر **

(DOI): 10.22066/CILAMAG.2022.249070
(DOR): DOR: 20.1001.1.2251614.1401.39.66.5.1

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۳۰

چکیده

نحوه شکل‌گیری حقوق مکتسب، درک آن را مشکل کرده بود. طبق نظریه جدید، حقوق مکتسب، حقی است که با وضع قانون شناسایی و با اجرای تابعین شکل می‌گیرد و با پذیرش نزد مراجع قضایی اعتبار می‌یابد. بدین ترتیب، حقوق مکتسب نه تنها در حقوق داخلی و بین‌الملل خصوصی معتبر است بلکه در حقوق بین‌الملل عمومی نیز از اعتبار عرفی برخوردار است.^۱ با نگاهی به حقوق اتحادیه اروپا، طبق این نظریه ملاحظه می‌شود که حق‌هایی چون تابعیت و اقامت دائم از جمله حقوقی هستند که به‌عنوان حقوق مکتسب شکل گرفته‌اند و حقوق مکتسب دیگری نیز از آن‌ها ناشی شده است. لذا در مواردی چون برگزیت و در توافقینامه خروج انگلیس از اتحادیه اروپا مورد احترام واقع و از تداوم آن‌ها حمایت شده است. با درک جدیدی از شکل‌گیری حقوق مکتسب می‌توان در مذاکرات بین‌المللی، ترتیبات مناسب‌تر و دقیق‌تری را برای مطالبه آن‌ها در مواردی چون خروج یک کشور از معاهده در نظر گرفت.

واژگان کلیدی

حقوق مکتسب، حقوق اعطاشده، حقوق بین‌الملل عمومی، حقوق اتحادیه اروپا، برگزیت، حقوق عرفی

* استادیار دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس
savari@modares.ac.ir

** نویسنده مسئول، کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه تربیت مدرس

arashrahimimehr@gmail.com

۱. رحیمی مهر، آرش؛ اعتبار حقوق مکتسب در حقوق بین‌الملل عمومی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه

تربیت مدرس، ۱۳۹۹.

مقدمه

حقوق مکتسب^۲ از سابقه کهنی در حقوق داخلی و بین‌الملل خصوصی برخوردار است و اخیراً نگارنده توانسته با تعریف جدید،^۳ حوزه نفوذ آن را به حقوق بین‌الملل عمومی گسترش دهد. با این تعریف جدید می‌توان حق‌هایی را در حقوق بین‌الملل عمومی شناسایی کرد که از ماهیت حقوق مکتسب برخوردار باشند. نظام حقوقی اتحادیه اروپا یک رویداد حقوقی بین‌المللی مهم است که مطالعه آن با این تعریف جدید برای شناسایی حقوق مکتسب بسیار مهم است و حقوق مکتسب مهمی را معرفی می‌کند که در برگزیت و توافقنامه خروج انگلیس از اتحادیه اروپا به تداوم آن‌ها اشاره شده است. این مقاله با اشاره به تعریف جدید از حقوق مکتسب در نظر دارد ببیند چه حقوق مکتسبی در معاهدات اتحادیه اروپا وجود دارد و ریشه‌های قانونی آن‌ها چیست و تداوم آن‌ها در اثر برگزیت چگونه است؟ برخی از آرای دیوان دادگستری اروپا بررسی خواهد شد تا مشخص شود این حقوق نزد آن‌ها معتبر هستند یا خیر؟

به نظر می‌رسد حق تابعیت و حق اقامت دائم از جمله مهم‌ترین حقوق مکتسب شناسایی شده در معاهدات اتحادیه اروپا هستند که در برگزیت و در توافقنامه خروج انگلیس از اتحادیه اروپا مورد حمایت قرار گرفته و بر تداوم آن‌ها تأکید شده است.

۱. ماهیت و اعتبار حقوق مکتسب

دکترین همیشه در تعریف ماهیت حقوق مکتسب مشکل داشت و قضات به مرور زمان آن را تعریف کرده‌اند. کنسول دولت فرانسه به‌درستی از «عمل ایجادکننده حقوق» یا «عملی قطعی مکتسب» صحبت کرده است.^۴ کنستانتین یاناکوپولوس توضیح می‌دهد که دکترین برای جستجوی تعریفی کاملاً کارآمد از حقوق مکتسب، تعریف ماهیت آن را نادیده گرفت و لذا مطابق با این رویکرد، حق مکتسب، «حق حفظ و نگهداری فعلی است که به‌عنوان موجد حقوق تلقی می‌شود» یا حفظ وضعیت حقوق اکتسابی است. در هر صورت، مفهوم حقوق مکتسب باید از یک منظر پویا، یکی «قانون در زمان واقعی» یا «قانون معتبر در طول زمان»^۵، روند قانونی ایجاد و اعمال قانون بررسی شود. همان‌طور که هانس کلسن تعریف کرده است این در تقابل با «نظریه

2. Acquired rights

۳. رحیمی‌مهر؛ همان، ص ۱۴۳.

4. Sieur, R.; EC, 5 May 1950, Rec., p. 264.

5. Intertemporal law

استاتیک قانون» است.^۶

منشأ و شکل‌گیری نظریه حقوق مکتسب در طول زمان هر چه باشد با مفهوم غیرقابل برگشت و الزام‌آور بودن این حقوق در برابر حقوق جدید و اختیارات (قدرت) سیاسی و اداری جدید مرتبط است. این همان چیزی است که ما از اصطلاحات "droits, derechos adquiridos" "acquis" یا "vollerworbene Rechte" می‌فهمیم؛^۷ مفهومی که در کشورها و فرهنگ‌های حقوقی مختلف برای تعریف حقوقی استفاده می‌شود که از وضعیت‌های استقرار یافته و تثبیت شده حمایت می‌کند یا منافی که از حمایت قانونی برخوردارند. آن‌ها ماهیتی قوی‌تر از اصطلاح «انتظارات مشروع» (مفهوم مورد استفاده دیوان دادگستری اتحادیه اروپا) یا مفهوم «انتظارات از حقوق» دارند که اغلب در قانون مدنی استفاده می‌شود.

به‌موجب چنین قدرتی، نظریه حق مکتسب، عطف به ماسبق‌نشدن قوانین را پس از تثبیت حق مربوطه یا در صورت نقض آن، با در نظر گرفتن غرامت یا جبران خسارت برای زیان وارده (مسئولیت دولت) در مورد حقوق مکتسب ادعا می‌کند. بنابراین حقوق مکتسب از حقوقی است که در برابر تغییر قانون حمایت می‌شود.

ماهیت حقوق مکتسب طوری است که پس از اجرای یک حق قانونی شکل می‌گیرد و وضعیت ادامه آن به حمایت قانونی نیاز دارد یعنی تداوم آن هم باید قانونی باشد. نقض آن مستلزم مسئولیت است و باید برای آن جبران مناسب در نظر گرفته شود. در اینجا با بررسی حقوق مکتسب در حقوق داخلی و بین‌الملل خصوصی و بررسی مباحث مربوط به آن در حقوق معاهدات، حقوق سرمایه‌گذاری بین‌المللی، حقوق بشر، حقوق مسئولیت بین‌المللی و حقوق اتحادیه اروپا، حق مکتسب در علم حقوق، طوری تعریف شده که در حقوق داخلی و بین‌الملل اعم از خصوصی و عمومی از خصوصیت یک تعریف کلی برخوردار باشد:

حق مکتسب، حقی است که از طرف مرجع صالح به‌صورت قانونی شناسایی و به اتباع آن‌ها

6. Fernández Tomas, A., López, G., D., "The Impact and Consequences of Brexit on Acquired Rights of EU Citizens Living in the UK and British Citizens Living in the EU-27", Directorate-General for Internal Policies of the Union, European Parliament, study for AFCO Committee; 2017, p. 45.

ن.ک:

Yannakopoulos, C., "La Notion de Droits Acquis en Droit Administratif Français", *Librairie Générale de Droit et de Jurisprudence*, Paris, 1997, p. 7.

در صفحه ۳ این کتاب آمده است: برای نظریه قدیمی «حقوق مکتسب» (jus quaesitum) در مقابل نظریه حق ذاتی (jura connata): یک حق ذاتی، ناشی از طبیعت انسان، اصل، جهانی و مطلق است. یک حق مکتسب حقی است که از یک کنش خاص انسانی سرچشمه می‌گیرد و می‌توان آن را تعدیل یا از آن انصراف داد (انکار کرد).

همچنین، ن.ک:

Kelsen, H.; *Théorie pure du droit*, Paris, 1962, pp. 96 and 115.

۷. *adquiridos* کلمه اسپانیایی است به معنی حقوق مکتسب (Acquired rights) که فرانسوی آن *droits acquis* و آلمانی آن *vollerworbene Rechte* به معنی کاملاً مکتسب است.

اعلام یا اعطا می‌شود و با اجرای آن توسط این اتباع ایجاد می‌شود و با پذیرش نزد محاکم ملی و بین‌المللی اعتبار می‌یابد. حقی که به این ترتیب تشکیل می‌شود و استقرار می‌یابد به‌عنوان حق مکتسب اعتبار دارد و با اعمال بعدی مرجع صالح یا وضع قوانین جدید از بین نمی‌رود و نقض آن مستلزم جبران مناسب است.^۸

بنابراین طبق این تعریف، تشکیل حق مکتسب، سه مرحله دارد: ۱. شناسایی و اعلام یا اعطای حق توسط مرجع صالح قانونگذاری ۲. کسب حق (اجرا و ایجاد حق) توسط اتباع ۳. اعتبار حق توسط محاکم ملی و بین‌المللی.^۹

قوانین متروک، عرف‌های قدیمی که دیگر به مورد اجرا گذاشته نمی‌شوند و معاهدات متروک، همگی نمونه‌هایی هستند که حکایت از آن دارند که حقوق مکتسب، وضعیت حقوقی است که بعد از اجرای حق قانونی شکل می‌گیرد و موجودیت حقوقی پیدا می‌کند. بر اساس این تعریف، ضروری نیست که همواره به عبارت حقوق مکتسب برای بیان این حقوق اشاره شود، آن‌چنان که در ماده (ب) (۱) ۷۰ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ در خصوص حقوق معاهدات با عبارت «وضعیت حقوقی»^{۱۰} به آن اشاره شده است. بنابراین هر حقی که طبق قانون اجرا شده باشد از ماهیت حقوق مکتسب برخوردار است و می‌تواند نزد محاکم داخلی و دیوان‌های بین‌المللی، احترام به آن مورد درخواست و استناد قرار گیرد.

حقوق بین‌الملل دارای خصوصیات منحصر به فردی است. از جمله اینکه تابعین آن تحت یک سیستم حقوقی بین‌المللی قرار دارند؛ لذا چند سیستم حقوقی بین‌المللی وجود ندارد. خصوصیت دوم اینکه همواره تابعین آن بخصوص در معاهدات بین‌المللی از تعداد کثیری برخوردارند؛ به این معنی که حقوق مکتسب ناشی از معاهدات که در آن یک سیستم حقوقی وجود دارد از اعتبار بین‌المللی برخوردار خواهد بود.

حقوق مکتسب از جمله حقوقی است که پس از شکل‌گیری متبلور می‌شود و این تبلور توانسته نظر دکتربین را به خود جلب کند و توسط آن‌ها به علم حقوق معرفی شود. دیوان‌های بین‌المللی در رویه عملی خود از آن به‌عنوان اصل کلی حقوقی در حقوق بین‌الملل عام نام برده‌اند. در حال حاضر در دوره حقوق بین‌الملل مدرن و شکل‌گیری حقوق مسئولیت دولت‌ها و وظیفه جبران در برابر ایجاد خسارت و انعقاد معاهدات سرمایه‌گذاری خارجی و حمایت از چنین سرمایه‌گذاری‌هایی توسط دولت‌ها در برخی زمینه‌ها از جمله حق اقامت دائم، حق مالکیت و حقوق سرمایه‌گذاری خارجی، اصل احترام به حقوق مکتسب به‌طور مستمر در رویه عملی و بیانیه‌های دولت‌ها و

۸. پیشین، ص ۱۴۳.

۹. پیشین.

دیوان‌های بین‌المللی و همچنین در معاهدات بین‌المللی مورد استناد قرار گرفته است و لذا علاوه بر اینکه از ویژگی‌های یک اصل کلی در حقوق بین‌الملل عام برخوردار است تبدیل به قاعده عرفی در حقوق بین‌الملل نیز شده است که دیوان‌های بین‌المللی به‌طور مستمر به آن استناد می‌کنند و اعتباری عرفی یافته است.^{۱۱}

۲. حقوق مکتسب در معاهدات تشکیل اتحادیه اروپا

قوانین اتحادیه اروپا از چندین معاهده بین‌المللی تشکیل شده است که همدیگر را اصلاح یا تکمیل می‌کنند. نخستین معاهده اتحادیه اروپا، «معاهده پاریس» (۱۹۴۹) متشکل از ۶ کشور بود که «جامعه زغال سنگ و فولاد اروپا» را ایجاد کرد. معاهده دوم مربوط به تشکیل «جامعه اروپایی انرژی اتمی» و معاهده سوم مربوط به تشکیل «جامعه اقتصادی اروپا» یا بازار مشترک اروپایی است که در ۱۹۵۷ شکل گرفت. این سه جامعه در ۱۹۹۲ با انعقاد معاهده ماستریخت که برای اولین بار نام اتحادیه اروپا در آن ذکر شد در یکدیگر ادغام شدند و اتحادیه اروپا را ایجاد کردند. البته این معاهده نیز چندین بار از طریق معاهدات آمستردام ۱۹۹۷ و نیس ۲۰۰۳ اصلاح شد. اعضای اتحادیه سعی کردند معاهدات مزبور را با معاهده «قانون اساسی اتحادیه اروپا» جایگزین کنند اما تا کنون موفق به انجام آن نشده‌اند و به جای آن تلاش کردند از طریق تصویب معاهده لیسبون به‌عنوان معاهده جایگزین در جهت اصلاح ساختار اتحادیه برای کارآمدی بیشتر و پاسخ‌گویی به نیازهای روزافزون شهروندان و چالش‌های جدید گام بردارند. بنابراین باید از معاهده لیسبون به‌عنوان معاهده اتحادیه اروپا^{۱۲} (TEU) نام برد و در آن به معاهده عملکرد اتحادیه اروپا^{۱۳} (TFEU) نیز اشاره کرد.

۲-۱. حقوق مکتسب ناشی از تابعیت اتحادیه اروپا^{۱۴}

تابعیت از جمله حقوقی است که از شهروندی اتحادیه اروپا سرچشمه می‌گیرد و در ماده (۱) ۲۰ معاهده عملکرد اتحادیه اروپا (TFEU) به این شرح به آن اشاره شده است:

«بدین ترتیب، شهروندی اتحادیه تحقق می‌یابد. هر شخص دارنده تابعیت یکی از دولت‌های عضو می‌بایست شهروند اتحادیه به حساب آید. این شهروندی نه جایگزین تابعیت ملی آن شخص، بلکه به آن ملحق خواهد شد.»

۱۱. پیشین، صص ۱۴۷-۱۴۵.

12. Treaties of the European Union

13. Treaty on the Functioning of the European Union

14. Fernández Tomas, A., López, G., D., *op.cit.*, 2017, p. 43.

از جمله حقوقی که طبق معاهده عملکرد اتحادیه اروپا (TFEU) از تابعیت اروپا ناشی می‌شود عبارت است از ماده ۱۸ «ممنوعیت هرگونه تبعیض به دلیل ملیت» و ماده ۲۰ «حق جابه‌جایی و اقامت آزاد در قلمرو اتحادیه» و ماده (۳) ۲۱ که این امکان را برای شورا ایجاد می‌کند که به اتفاق آرا، «اقدامات مربوط به امنیت اجتماعی یا حمایت اجتماعی» را اتخاذ کند.

علاوه بر این، معاهدات به شهروندان هر دولت عضو، سایر حقوق مربوط به استخدام، تجارت و فعالیت‌های اقتصادی را همان‌طور که در قسمت ۳ بخش ۳ عنوان چهارم معاهده عملکرد اتحادیه اروپا^{۱۵} (TFEU) با عبارت «جابه‌جایی آزاد افراد، خدمات و سرمایه» مشخص شده است اعطا می‌کند. این حقوق قبلاً بخشی از متون قبلی جامعه اقتصادی اروپا بود زیرا هدف اتحادیه اروپا ایجاد بازار واحد بود. با توجه به این امر، اطمینان از جابه‌جایی آزاد عوامل تولید شامل کارگران (مواد ۴۵ و ۴۶)، متخصصین و شرکت‌های خوداشتغال (مواد ۴۹ تا ۵۵)، ارائه‌دهندگان خدمات (مواد ۵۶ تا ۶۲) و سرمایه (مواد ۶۳ تا ۶۶) ضروری بود. لازم به ذکر است که مفهوم شهروندی اروپا، که جابه‌جایی آزادانه «اشخاص» (نه فقط کارگران) از آن نشأت می‌گیرد، تا قبل از پیمان ماستریخت مطرح نشده بود. بعداً دیوان دادگستری اتحادیه اروپا^{۱۶} ماهیت «اساسی» این حق را تأیید کرد.

همچنین حق تابعیت در مجموعه‌ای از حقوق و وظایف مندرج در منشور حقوق اساسی منعکس شده است. اما منشور در عنوان خود حاوی کلمات «شهروندان اروپایی» نیست چون طبق ماده ۶(۱) معاهده اتحادیه اروپا (TEU) «منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا» و «دارای ارزش حقوقی مشابه معاهدات» است و هدف از آن این نیست که بخشی از وضعیت شهروندی اروپا باشد، بلکه بیانگر ارزش‌های اتحادیه چون احترام به کرامت انسانی، آزادی، دموکراسی، برابری، حاکمیت قانون و احترام به حقوق بشر و از جمله حقوق افراد متعلق به اقلیت‌ها است که در ماده ۲ معاهده اتحادیه اروپا (TEU) بیان شده است.

به‌طور کلی مفاد منشور برای هر شخص در اتحادیه اروپا فقط با یک استثنا اعمال می‌شود که آن هم عنوان V با عبارت «حقوق شهروندان» (مواد ۳۹، ۴۰، ۴۵ و ۴۶) است که شامل حقوق شهروندان اروپایی به‌ویژه حق رأی و حق نامزدی در انتخابات پارلمان اروپا و انتخابات شهرداری‌ها، حق جابه‌جایی آزاد و اقامت و حق حمایت دیپلماتیک و کنسولی است که در ماده ۲۰,۲ معاهده اتحادیه اروپا (TEU) به رسمیت شناخته شده است.

حق جابه‌جایی و اقامت آزاد، رأی‌گیری فعال و منفعل در انتخابات پارلمان اروپا و انتخابات شهرداری، حق حمایت کنسولی و حق دادخواست و همچنین آزادی‌های اقتصادی و سایر حقوق

15. Part III-Chapter III-Title IV Free Movement of Persons, Services and Capital.

16. CJEU; Court of Justice of the European Union

با ماهیت اجتماعی از جمله مهم‌ترین حقوقی هستند که بخشی از تابعیت اروپا را تشکیل می‌دهند و باید با دقت بیشتری بررسی شوند تا مشخص شود که آیا حقوق مکتسب احتمالی را تشکیل می‌دهند. همچنین باید رویه قضایی مستمر دیوان دادگستری اتحادیه اروپا را در نظر گرفت که به تدریج حقوق جدیدی را ایجاد کرد در صورتی که جوامع اروپایی به اندازه کافی آن‌ها را تضمین نکرده بودند آن هم در زمانی که «تابعیت اروپا» هنوز وجود نداشت.

حق جابه‌جایی و اقامت آزاد در قلمرو کشورهای عضو بدون شک، حق اصلی شهروندی اروپا است. قانونی که این حق را با قدرت و گسترده‌ترین وسعت شناسایی می‌کند، دستورالعمل EC/۳۸/۲۰۰۴ پارلمان اروپا و شورای ۲۹ آوریل ۲۰۰۴ در مورد حق شهروندان اتحادیه و خانواده‌های آن‌ها برای اقامت و جابه‌جایی آزادانه در قلمرو کشورهای عضو است که برخی از بندهای مقدمه این بخشنامه برای نمونه نقل می‌شود:

(۱) تابعیت اتحادیه به هر شهروند آن، حق اولیه و فردی را برای جابه‌جایی و اقامت آزاد در قلمرو کشورهای عضو اعطا می‌کند [...]

(۲) جابه‌جایی آزاد اشخاص یکی از آزادی‌های اساسی بازار داخلی است [...]

(۵) حق کلیه شهروندان اتحادیه برای جابه‌جایی و اقامت آزاد در قلمرو کشورهای عضو باید برای رعایت شرایط عینی آزادی و کرامت، صرف‌نظر از ملیت به اعضای خانواده آن‌ها نیز اعطا شود [...]

(۹) شهروندان اتحادیه باید از حق اقامت در کشور عضو میزبان برای مدت بیش از سه ماه برخوردار باشند بدون اینکه تحت شرایط یا هرگونه تشریفات دیگری غیر از الزام به داشتن کارت شناسایی معتبر یا گذرنامه قرار گیرند و در برخورداری از رفتار مطلوب‌تر که نسبت به متقاضیان شغل اعمال می‌شود بدون تبعیض با آن‌ها رفتار شود همان‌گونه که در رویه قضایی دیوان دادگستری معتبر شناخته شده است و [...]

(۱۰) اشخاصی که از حق اقامت خود استفاده می‌کنند نباید در طول دوره اولیه اقامت به یک‌باره و به صورت غیرمعقول تحت پوشش سیستم تأمین اجتماعی کشور عضو میزبان قرار گیرند [...]

(۱۷) حق اقامت دائم باید [...] به کلیه شهروندان اتحادیه تعلق گیرد [...] کسانی که با رعایت شرایط مندرج در این بخشنامه طی یک دوره مداوم پنج ساله در کشور عضو میزبان اقامت داشته‌اند بدون اینکه مشمول دستور اخراج شوند ...

(۲۰) مطابق با منع تبعیض به دلیل تابعیت، کلیه شهروندان اتحادیه و اعضای خانواده آن‌ها که بر اساس این بخشنامه در یک کشور عضو اقامت دارند، باید در آن کشور عضو از برخورد برابر با شهروندان در مناطق تحت پوشش معاهده برخوردار شوند [...]

(۲۴) فقط در شرایط استثنایی که زمینه‌های اجباری امنیت عمومی وجود دارد، باید شهروندان اتحادیه که سال‌ها در قلمرو کشور عضو میزبان اقامت داشته‌اند اخراج شوند. بنابراین دستورالعمل EC/۳۸/۲۰۰۴ حقوق یک شهروند اروپایی و خانواده وی را این‌گونه مشخص می‌کند: خروج از قلمرو یک کشور عضو بدون نیاز به رواید، اقامت تا سه ماه در یک کشور عضو دیگر با رعایت شرایط خاص (اشتغال، منابع مالی، تحصیل) که حتی اگر به مدت پنج سال در کشور میزبان زندگی کرده باشند می‌توانند اقامت دائم بگیرند. فقط در صورت وجود دوره غیبت به مدت دو سال مداوم، این حق را از دست می‌دهند. طبق ماده ۲۷ اخراج فقط به دلیل «سیاست عمومی، امنیت عمومی یا بهداشت عمومی» امکان‌پذیر است.

به لطف اصل رفتار برابر، یک شهروند اروپایی که در یک کشور عضو دیگر اتحادیه اروپا اقامت دارد از همان حقوق اجتماعی که دولت عضو میزبان برای اتباع خود تضمین می‌کند برخوردار است. این حقوق عبارت‌اند از: دسترسی به آموزش، کمک‌های اجتماعی و مراقبت‌های بهداشتی و دسترسی به بازار کار (مواد ۲۳ و ۲۴ دستورالعمل EC/۳۸/۲۰۰۴). آیین‌نامه‌های ۲۰۰۴/۸۸۳ و ۲۰۰۹/۹۸۷ پارلمان اروپا و شورا بر هماهنگی سیستم‌های تأمین اجتماعی در میان کشورهای عضو، تجمیع دوره‌ها و انتقال مزایا در سراسر اتحادیه اروپا حاکم است و این حقوق طبق اصل رفتار برابر با شهروندان برای همه به‌طور یکسان اجرا می‌شود. از میان این حقوق شناسایی‌شده، حق اقامت دائم به‌عنوان حق مکتسب که از جمله مهم‌ترین حقوقی است که کلیه حقوق دیگر از آن ناشی می‌شود بررسی خواهد شد.

۲-۲. حق اقامت دائم به‌عنوان حق مکتسب^{۱۷}

همچنان که اشاره شد، در معاهدات اتحادیه اروپا حقوق مختلفی برای شهروندان مقیم در کشورهای عضو اتحادیه اروپا شناسایی شده است. این حقوق از مهم‌ترین آن‌ها با عنوان «حق تابعیت» شروع و با اشاره به حقوقی چون «حق جابه‌جایی آزاد و اقامت»، حقوق مربوط به عوامل تولید، «جابه‌جایی آزاد افراد، خدمات و سرمایه» شامل کارگران، متخصصین و شرکت‌های خوداشتغال، حقوق مربوط به ارائه‌دهندگان خدمات و سرمایه، «حقوق شهروندان» یا همان حقوق شهروندی اتحادیه اروپا مانند حق رأی و حق نامزدی در انتخابات پارلمان اروپا و انتخابات شهرداری‌ها، و حق حمایت دیپلماتیک و کنسولی، حق دادخواست و همچنین آزادی‌های اقتصادی ادامه یافت.

با توجه به تعریف ارائه‌شده از حقوق مکتسب که در بند ۲ به آن اشاره شد، و در نظر گرفتن این نکته که معاهدات اتحادیه اروپا در مجالس کشورهای عضو تصویب شده و در حکم قانون

17. *Ibid.*, p. 44.

قرار گرفته‌اند می‌توان گفت رکن اول تعریف مزبور از حقوق مکتسب در مورد آن‌ها صادق است و می‌توان به‌عنوان حقوق شناسایی شده طبق قانون به آن‌ها اشاره کرد. این حقوق پس از اجرا توسط شهروندان اتحادیه اروپا یعنی به‌عنوان مثال با ورود یک شهروند اروپایی از یک کشور عضو اتحادیه اروپا و اقامت در دیگر کشور عضو اجرا می‌شود و طبق رکن دوم تعریف ارائه‌شده از ماهیت حقوق مکتسب برخوردار خواهند شد و با احترام به تداوم آن‌ها پس از خروج یک کشور عضو یا نزد محاکم و دیوان‌های دادگستری ملی و بین‌المللی از اعتبار حقوق مکتسب نیز برخوردار می‌شوند.

آیا می‌توان ادعا کرد حقوق شهروندان اروپایی به‌موجب قوانینی که توسط اتحادیه اروپا وضع شده است و به‌طور دائم در کشوری اقامت دارند که تابعیت آن را ندارند واقعاً «مکتسب» است؟ به‌عنوان مثال، حقوق شهروندان انگلیس که در کشور عضو دیگری زندگی می‌کنند و شهروندان ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا (EU-27) که در انگلستان زندگی می‌کنند، با خروج انگلیس از اتحادیه اروپا غیرقابل انکار است. این موضع مورد حمایت برخی از کارشناسان است که معتقدند انگلستان نمی‌تواند «شهروندانش را (که شهروند اتحادیه اروپا هستند) از حقوقی که به‌موجب آن وضعیت کسب کرده‌اند» محروم کند.^{۱۸} آن‌ها همچنین ادعا می‌کنند که احکام دیوان دادگستری اتحادیه اروپا در پرونده‌های روتمن^{۱۹} و رویز زامبرانو^{۲۰} منجر به این نتیجه می‌شود که «کشورهای عضو، دیگر آزاد نیستند با شهروندان خود مطابق میل خود رفتار کنند».^{۲۱} و همان‌طور که دیوان دادگستری اتحادیه اروپا در پرونده رویز زامبرانو اظهار داشت، «ماده ۲۰ معاهده عملکرد اتحادیه اروپا (TFEU) اقدامات ملی را که منجر به محروم کردن شهروندان اتحادیه از برخورداری واقعی از اصل حقوق اعطاشده به‌موجب وضعیت آن‌ها به‌عنوان شهروندان اتحادیه می‌شود، ممنوع می‌داند».^{۲۲}

احتمالاً حق اقامت به‌ویژه اقامت دائم، مهم‌ترین حق اساسی همه کسانی است که در وضعیت شهروند اروپایی قرار می‌گیرند زیرا کلیه حقوق دیگری که شخص می‌تواند در یک کشور عضو از آن برخوردار شود از این حق ناشی می‌شود و می‌تواند از این حق در شرایط برابر با اتباع کشور عضو میزبان بهره‌مند شود. از دست دادن آن شرایط توسط یک شهروند اروپایی که در خارج

18. Dawson, M., Augenstein, D., "After Brexit: Time for a Further Decoupling of European and National Citizenship?", in *Verfassungsblog*. <http://verfassungsblog.de/brexit-decoupling-european-national-citizenship/> DOI: <http://dx.doi.org/10.17176/20160714-114950>. 14 July 2016.

19. Rottmann

20. Ruiz Zambrano

21. Phoebus, L. Athanassiou, Shaelou, Stéphanie Lauthé; "EU Citizenship and Its Relevance for EU Exit and Secession", in Dimitry Kochenov (ed.) *EU Citizenship and Federalism the Role of Rights*, Cambridge University Press, 2017.

22. Case C-34/09 *Gerardo Ruiz Zambrano v. Office national de l'emploi (ONEm)* (Reference for a preliminary ruling from the tribunal du travail de Bruxelles) ECLI:EU:C: 2011: 124.

از کشور عضو متبوع خود اقامت دارد واقعاً مهم و از نظر کیفی بیشتر از ازدست‌دادن سایر حقوق است. از این رو اهمیت روشن‌شدن اینکه آیا حق اقامت، حق مکتسب است که می‌تواند در برابر تصمیم یک کشور عضو مانند برگزیت مورد حمایت قرار گیرد، هم برای شهروندان آن کشور که در یکی از کشورهای عضو دیگر اتحادیه اروپا اقامت دارند و هم برای سایر شهروندان اروپایی ساکن آن کشور از اهمیت برخوردار است.^{۲۳}

بر این اساس برای تجزیه و تحلیل دقیق‌تر حقوق مکتسب، حق اقامت دائم انتخاب شد زیرا برای روشن‌کردن اینکه آیا شهروندان اتحادیه می‌توانند از حقوق مکتسب برخوردار شوند، حق اقامت دائم پس از پنج سال اقامت مداوم، همان‌طور که در بخشنامه EC/۳۸/۲۰۰۴ ذکر شده است، قدرتمندترین و سودمندترین حق با ماهیت عمومی برای شهروندان اروپایی است. به عبارت دیگر، این همان حقی است که در صورت عدم احترام به آن و ازدست‌دادنش، بیشترین آسیب به شهروندان وارد خواهد شد. بنابراین اگر این نتیجه به دست آید که اقامت دائم در یک کشور عضو دیگر به منزله حق مکتسب نیست که می‌تواند پس از ختم معاهدات و توقف اجرای قوانین اتحادیه ادامه یابد، دلیلی برای ادامه تجزیه و تحلیل حقوق باقی‌مانده که بخشی از تابعیت اروپا را تشکیل می‌دهد یا سایر حقوق ایجادشده توسط قانون اتحادیه به‌عنوان حقوق مکتسب وجود نخواهد داشت. اگر حق تثبیت‌شده شهروند یک کشور عضو اتحادیه اروپا برای اقامت در کشور دیگر عضو اتحادیه اروپا، حق مکتسب نیست که با خروج آن از اتحادیه اروپا بدون تأثیر باشد، هیچ حق دیگری که توسط اتحادیه تحت عنوان شهروند اتحادیه ایجاد شده، ماهیت حق مکتسب را ندارد.^{۲۴}

در پرتو حقوق اروپا و به‌ویژه ماده ۵۰ معاهده اتحادیه اروپا (TEU)، در این مورد می‌توان گفت معاهدات و قوانین ثانویه اتحادیه اروپا (به‌عنوان مثال دستورالعمل EC/۳۸/۲۰۰۴) تا زمان اعلام نتیجه خروج یک کشور عضو از اتحادیه اروپا کاملاً یا تا دو سال پس از اطلاع از تصمیم آن کشور مبنی بر خروج ادامه خواهد داشت. در این رابطه ماده ۵۰،۳ مقرر می‌دارد:

«معاهدات از تاریخ لازم‌الاجرا شدن توافقنامه خروج یا در صورت عدم موفقیت در آن، دو سال پس از اعلان عمومی اشاره‌شده در بند ۲، در مورد دولت مورد نظر متوقف می‌شوند، مگر اینکه شورای اروپا در توافق با کشور عضو مربوطه به اتفاق آرا تصمیم به تمدید این مدت بگیرد».

۲-۳. حقوق مکتسب در حین اجرای معاهدات اتحادیه اروپا

تا زمانی که اجرای معاهدات اتحادیه اروپا در یک کشور عضو متوقف شود، در ماده ۵۰، معاهده

23. Fernández Tomas, A., López, G., D.; *op.cit.*, 2017, p. 46

24. *Ibid.*, 46.

اتحادیه اروپا (TEU) هیچ وضعیت انتقالی برای حقوق شهروندان اتحادیه اروپا که در آن کشور اقامت دارند یا اتباع آن کشور عضو که در سایر کشورهای عضو اتحادیه اروپا اقامت دارند پیش‌بینی نشده است. بنابراین باید درک کرد که تا آن لحظه حساس حق اقامت مندرج در ماده (۱) ۲۰ معاهده عملکرد اتحادیه اروپا (TFEU) و دستورالعمل EC/۳۸/۲۰۰۴ و بقیه حقوق سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی ناشی از سیستم حقوقی اتحادیه اروپا توسط هر کشور عضو اتحادیه قابل لغو یا توقف نیست. اما این احتمال وجود دارد که توافقنامه خروج از اتحادیه اروپا یک مرحله انتقالی برای حقوق شهروندان در طی «قطع ارتباط» حقوقی بین دو طرف ایجاد کند. در صورت بروز این احتمال، این اتفاق از لحظه‌ای که در ماده ۵۰،۳ معاهده اتحادیه اروپا تعیین شده است یا قبل از آن رخ نمی‌دهد و این محصول مذاکره سیاسی خواهد بود. مذاکره سیاسی پیش‌بینی شده در ماده ۵۰ معاهده اتحادیه اروپا نمی‌تواند مشروط به یک حق غیرقابل تغییر شهروندان اروپایی با اقامت دائم در انگلستان یا اتباع انگلستان در خاک اتحادیه باشد که همیشه آن وضعیت را به‌عنوان مواردی از «حقوق مکتسب» حفظ کنند^{۲۵} زیرا وضعیت شهروند اروپایی با حق جابه‌جایی آزاد و اقامت در هر کشور عضو اتحادیه اروپا از نظم حقوقی اتحادیه اروپا ناشی می‌شود نه قانون ملی. اما اگر اعمال معاهدات در کشور عضو متوقف شود (ماده ۵۰،۳ معاهده اتحادیه اروپا)، حقوقی از قبیل حق اقامت که امروزه تحت حمایت این معاهدات برای شهروندان اروپایی در آن کشور عضو و شهروندان آن کشور عضو در هر کشور عضو دیگر وجود دارد، تابع قانون ملی آن خواهد بود. با رعایت مفاد ماده ۵۰ معاهده اتحادیه اروپا، حق اقامت و سایر حقوق و همچنین اصل مهم رفتار برابر و عدم تبعیض به دلیل تابعیت، به‌عنوان حقوق اروپایی در کشور عضو و برای اتباع کشور عضو در خارج از کشور خود، تابع قانون ملی کشور عضو خواهد شد.

به‌عنوان مثال، رویه قضایی در سطح عالی‌ترین دادگاه‌ها در انگلستان مؤید این رویکرد است. رأی دیوان عالی در تاریخ ۳ نوامبر ۲۰۱۶^{۲۶} که در آن حکم شد که به‌جریان انداختن ماده ۵۰ نیاز به تصویب پارلمان دارد، مستقیماً به موضوع حقوق مکتسب اشاره نکرد اما اظهار داشت که با مصوبه ECA 1972 بنیانی برای برخورداری شهروندان بریتانیایی از حقوق شناسایی شده طبق

۲۵. به گفته تیم/یکه، تنها استثنا می‌تواند برای افرادی باشد که مدت کافی در انگلیس زندگی کرده‌اند تا دارای «اجازه اقامت یا سند اقامت تأییدشده برای نشان دادن اجازه اقامت در انگلیس به مدت نامحدود» باشند، که طبق بند ۲۵۵ مقررات مهاجرت انگلستان (از ۳۰ آوریل ۲۰۰۶ دیگر لازم‌الاجرا نیست)./یکه استدلال می‌کند که دلیل این امر این است که «مرخصی نامحدود برای ماندن» (indefinite leave to remain) وضع قوانین اروپا نبوده بلکه قوانین انگلیس بوده است (قوانین مهاجرت).
ن.ک:

Tim Eicke QC, Could EU Citizens Living in the UK Claim Acquired Rights If There Is a Full Brexit?, *Lexis PSL*, 11 April 2016.

26. Case No: CO/3809/2016 and CO/3281/2016. *Gina Miller & others against The Secretary of State for Exiting the European Union*.

قوانین اتحادیه اروپا فراهم شد که آن‌ها می‌توانستند در دادگاه‌های سایر کشورهای عضو اعمال کنند. اما حقوق ناشی از سیستم حقوقی اتحادیه اروپا در دادگاه‌های انگلیس قابل اعمال نیست. البته در مواردی بخشنامه‌های داخلی کشورها به حقوق مکتسب اشاره می‌کند اما این امکان هم وجود دارد که پس از خروج، لغو یا با قانونگذاری بعدی اصلاح شوند. این نکته مؤید این واقعیت است که به رسمیت شناختن حقوق مکتسب ایجادشده، در چارچوب نظم حقوقی اتحادیه اروپا عمل می‌کند. تابعیت اروپا یک وضعیت حقوقی است که یک سری از حقوق را فراهم می‌کند که شروع آن با جابه‌جایی آزاد و اقامت دائم در هر کشور اتحادیه اروپا است و ناگزیر با عضویت آن کشور در اتحادیه گره خورده است. اگر کشوری از اتحادیه خارج شود، حقوقی که با داشتن تابعیت اتحادیه اروپا همراه است از قدرتمندترین مورد آن یعنی «حق اقامت دائم» تحت قوانین داخلی آن کشور قرار می‌گیرد و شهروندان اتحادیه اروپا به همان روشی که درباره شهروندان هر کشور ثالث دیگر در نظر گرفته می‌شود مورد توجه قرار می‌گیرند. این بدان معنا نیست که شهروندان اروپایی در کشور عضو یا شهروندان آن کشور عضو به‌عنوان شهروندان اروپایی سابق فوراً از حقوق شهروندی امروز اروپا محروم می‌شوند، بلکه این به موارد زیر بستگی دارد:

- اول، توافقیات خروج آن کشور عضو و اتحادیه اروپا (EU-27) تحت ماده ۵۰ و توافق در مورد چارچوب روابط آینده آن‌ها؛ و
- دوم، اصلاحات بعدی در قوانین کشور عضو و اتحادیه اروپا و تفسیر دادگاه‌ها در هر دو نظام حقوقی. بر این اساس، ممکن است حداقل به لحاظ نظری با اتمام روند خروج یک کشور عضو از اتحادیه اروپا، وضعیت شهروندان این اتحادیه (EU-27) در آن کشور عضو و شهروندان کشور عضو در اتحادیه اروپا متفاوت باشد.

معاهده اتحادیه اروپا (TEU) و معاهده عملکرد اتحادیه اروپا (TFEU) بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا توافق شده‌اند و در مورد هرگونه قرارداد الحاق نیز صدق می‌کنند (ماده ۴۹،۲ TEU).^{۲۷} از طرف دیگر، توافقیات خروج را اتحادیه اروپا و کشور عضو در حال خروج امضا می‌کنند چون این شورا است که مطابق با معنای واقعی ماده (۲) ۵۰ معاهده اتحادیه اروپا (TEU) توافقیات خروج را از طرف اتحادیه امضا می‌کند. بنابراین در شرایطی که توافقیات خروج، یک معاهده بین‌المللی امضا شده بین کشورها نیست، کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در مورد حقوق معاهدات^{۲۸} (VCLT) در مورد آن اعمال نمی‌شود. کنوانسیون وین ۱۹۸۶ در خصوص حقوق معاهدات بین دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی یا بین سازمان‌های بین‌المللی نیز اجرا نخواهد شد زیرا این

^{۲۷} باید توافقیات الحاق را از مصوبه (قانون) الحاق متمایز کرد، که به‌عنوان پیوست توافقیات الحاق ظاهر می‌شود. مورد اخیر دارای ماهیت دوگانه و بین‌الدولی است و به‌طور هم‌زمان، بخشی از سیستم قانونگذاری اولیه و ثانویه اتحادیه اروپا است.

28. Vienna Convention on the Law of Treaties

معاهده هنوز لازم‌الاجرا نشده است. با وجود این، در حقوق معاهدات، حقوق بین‌الملل عرفی در زمینه معاهدات بین‌المللی بین دولت‌ها یا بین دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی تدوین شده است. این موضوع به‌صراحت از سوی دیوان دادگستری اتحادیه اروپا در پرونده راکی^{۲۹} به این شرح اعلام شده است:

«با نگاه اجمالی لازم به ذکر است که حتی اگر کنوانسیون وین، نه جامعه و نه همه کشورهای عضو آن را ملزم به اجرای قوانین نکند، برخی مفاد آن از جمله ماده ۶۲ بیانگر قواعد حقوق بین‌الملل است که در شرایط خاصی این اصل را بیان می‌کند که تغییر شرایط ممکن است منجر به فسخ یا تعلیق معاهده شود. بنابراین دیوان بین‌المللی دادگستری اظهار داشت که این اصل و شرایط و استثنائاتی که در آن است در ماده ۶۲ کنوانسیون وین در مورد حقوق معاهدات گنجانده شده است، که از بسیاری جهات می‌تواند به‌عنوان تدوین حقوق عرفی موجود باشد ...

از این نظر باید توجه داشت که جامعه اروپا در اعمال اختیارات خود باید به قوانین بین‌المللی احترام بگذارد. بنابراین ملزم به رعایت قوانین حقوق بین‌الملل عرفی است ... از این رو می‌توان گفت که قوانین حقوق بین‌الملل عرفی در مورد خاتمه و تعلیق روابط معاهده به دلیل تغییر اساسی شرایط، برای نهادهای جامعه لازم‌الاجرا و بخشی از نظم حقوقی جامعه است»^{۳۰}.

بنابراین، این عناصر در حقوق معاهدات که محتوای آن‌ها تدوین حقوق بین‌الملل عرفی است، در مورد شرایط ایجادشده توسط توافقنامه خروج قابل استفاده است؛ همچنین می‌تواند مناسب‌ترین ابزار برای تأکید بر استفاده از حقوق بین‌الملل عرفی در معاهدات بین‌المللی مانند وضعیت مورد بررسی باشد.

در محتوای مرسوم حقوق معاهدات باید این احتمال را تجزیه و تحلیل کرد که کشوری که خارج می‌شود طبق ماده (ب) ۷۰،۱، حقوق خاصی را ناشی از وضعیت قبل از توقف اجرای معاهده نسبت به آن کشور حفظ کند. بنابراین تجزیه و تحلیل باید روی مفهوم حقوقی انصراف یا خروج از معاهده توسط یکی از طرفین آن^{۳۱} و با اثرات آن، هم برای کشور خارج‌شونده و هم برای کشورهای که طرف پیمان لازم‌الاجرا هستند صورت گیرد.

29. CJEU, Judgment of 16 June 1998, Racke, C-162-96, paras. 24 ff.

30. Fernández Tomas, A., López, G., D., *op.cit.*, 2017, p. 27.

31. *Ibid.*, p. 27.

ن.ک:

Remiro Brotóns, A., *Derecho internacional público. 2. Derecho de los tratados*, Madrid: Tecnos, 1987, p. 466.
برای هر دو اصطلاح به یک مفهوم اشاره شده است: «لغو یا لغو (The denunciation) وقتی که بر معاهده تشکیل یا اساسنامه یک سازمان بین‌المللی تأثیر بگذارد، انصراف یا خروج (withdrawal) نامیده می‌شود». با این حال، (طبق مطالب مندرج در صفحات ۴۷۵-۴۷۴ اگر هیچ علت منجر به لغو در معاهده موردنظر ایجاد نشود)، ممکن است انگیزه‌ای برای لغو آن وجود نداشته باشد، در حالی که در صورت خروج، خود معاهده باید چنین امکانی را فراهم می‌کرد.

۲-۴. حقوق مکتسب پس از خاتمه معاهدات اتحادیه اروپا

همان‌طور که گفته شد، طبق مفاد ماده ۷۰،۱ حقوق معاهدات،^{۳۲} پیامدهای اختتام معاهده به این شرح است:

- «۱. خاتمه معاهده طبق مفاد آن یا مطابق با کنوانسیون حاضر، مگر در مواردی که معاهده خلاف آن را پیش‌بینی کرده باشد یا طرفین به توافق دیگری رسیده باشند:
- الف) طرفین را از هرگونه تعهد بیشتر برای اجرای معاهده رها می‌کند.
- ب) بر هیچ‌گونه حق، تعهد یا وضعیت حقوقی طرفین که از طریق اجرای معاهده قبل از فسخ آن ایجاد شده‌اند تأثیری نمی‌گذارد.
۲. اگر کشوری از یک پیمان چندجانبه انصراف دهد یا از آن خارج شود، بند ۱ در روابط بین آن کشور و هریک از طرف‌های دیگر پیمان از تاریخ اجرای چنین انصراف یا خروجی اعمال می‌شود».

حتی وقتی مفاد ماده ۷۰ اصولاً در مورد مفهوم خاتمه (در بین همه طرف‌های معاهده) اعمال شود، مفاد بند اول در موارد انصراف (اعلان، لغو) یا خروج (کناره‌گیری)، بین کشوری که دیگر عضو این معاهده نیست و «هریک از طرفین دیگر پیمان از تاریخی که چنین انصراف یا خروجی لازم‌الاجرا است» اعمال می‌شود. واقعیت این است که در حالی که کنوانسیون وین تعریفی از انصراف (اعلان لغو) ارائه نمی‌دهد، می‌توان تعریف مندرج در ماده ۲(II) حقوق معاهدات و سایر موافقت‌نامه‌های بین‌المللی اسپانیا^{۳۳} را در نظر گرفت، یعنی «اقدام ... [کشوری، که از طریق آن] تعهدات ناشی از یک معاهده را به پایان می‌رساند». بدیهی است که کشورهای باقیمانده طرف معاهده نیز همین کار را در رابطه با آن کشور انجام خواهند داد. بنابراین طبیعی است که در ماده ۷۰،۲ تصریح شود که مقررات اختتام معاهده، مندرج در ماده ۷۰،۱ باید بر خروج از معاهده اعمال شود حتی اگر خروج، چیزی جز خاتمه‌دادن به تعهدات کشور مورد نظر ناشی از آن معاهده نباشد. از این‌رو نتیجه گرفته می‌شود که عدم اعتبار پیشین^{۳۴} یک معاهده یک چیز است و خاتمه^{۳۵}

32. Article 70 - Consequences of the termination of a treaty

1. Unless the treaty otherwise provides or the parties otherwise agree, the termination of a treaty under its provisions or in accordance with the present Convention:
 - (a) releases the parties from any obligation further to perform the treaty;
 - (b) does not affect any right, obligation or legal situation of the parties created through the execution of the treaty prior to its termination.
2. If a State denounces or withdraws from a multilateral treaty, paragraph 1 applies in the relations between that State and each of the other parties to the treaty from the date when such denunciation or withdrawal takes effect.

33. Ley de Tratados y otros Acuerdos Internacionales.

34. *Ex tunc* invalidity

35. Termination

آن چیز دیگری است. عدم اعتبار باعث می‌شود که اثرات قبل از اعلام آن از بین برود (به‌استثنای «اعمالی که با حسن نیت قبل از استناد به بطلان مرتکب شده‌اند» همان‌طور که در ماده (ب) ۶۹،۲ حقوق معاهدات تصریح شده است، مشروط بر اینکه بطلان آن به دلیل هم‌زمانی با علل خاصی نبوده باشد [موارد مندرج در مواد ۴۹، ۵۰ و ۵۲، حقوق معاهدات]). از این نظریه این‌گونه نتیجه‌گیری می‌شود که عمل ایجاد معاهده (امضای معاهده) در صورت نقص رضایت اولیه هرگز از اعتبار قانونی برخوردار نبوده است. از طرف دیگر، خاتمه معاهده، هم اعتبار عمل قانونی امضای معاهده و هم کلیه اثراتی را که در طول اعتبار آن به وجود آمده است به‌صورت پیش‌فرض با خود دارد. با این حال، به‌عنوان قاعده، این اثرات از زمان اعلام خاتمه معاهده یا هر زمانی که طرفین تعیین خواهند کرد که خاتمه، انصراف یا لغو مؤثر می‌شود متوقف خواهد شد.

در خصوص خاتمه معاهدات می‌توان به برگزیت یا روند خروج انگلیس از اتحادیه اروپا اشاره کرد. آنچه بیش از همه مورد توجه حقوق‌دانان و نهادهای حقوقی طرفین قرار گرفته، دکترین و رویه قضایی برای حفظ حقوق افراد پس از خروج انگلیس یا به عبارتی حقوق مکتسب افراد است. برخی بر این باورند که این حقوق باید مورد احترام طرفین قرار گیرد و برخی نیز معتقدند باید آن را در توافقی خروج به نحو شایسته‌ای مورد توجه قرار داد یا به‌طور کامل از آن حمایت کرد یا حداقل مدت زمانی را برای تداوم آن پس از خروج در نظر گرفت. اما صرف‌نظر از اینکه توافقی صورت گیرد یا نه می‌توان به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به‌عنوان ابزاری برای دفاع از حق اقامت و سایر حقوق مرتبط، مانند حق زندگی خصوصی و خانوادگی و حق مالکیت خصوصی، تا زمانی که کنوانسیون اروپایی حقوق بشر،^{۳۶} بخشی از قوانین انگلستان بماند استناد کرد.

۳. توافقی خروج انگلیس از اتحادیه اروپا

پس از حدود یک سال مذاکره انگلیس و اتحادیه اروپا، سرانجام در ۴ دی ۱۳۹۹ (۲۴ دسامبر ۲۰۲۰) به توافقی تاریخی درباره مقررات حاکم بر روابط بین خود پس از خروج انگلیس از این اتحادیه،^{۳۷} موسوم به برگزیت دست یافتند. در ۸ دی ۱۳۹۹ (۲۸ دسامبر ۲۰۲۰) سفرای ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا با اتفاق آرا با «درخواست موقت» توافق تجاری با انگلیس موافقت کردند تا امکان اجرایی شدن آن از یکم ژانویه ۲۰۲۱ و پس از تصویب پارلمان اروپا فراهم شود. انگلیس با سپری کردن دوره انتقالی ۱۱ ماهه، سرانجام از روز یکم ژانویه ۲۰۲۱ از اتحادیه گمرکی و بازار واحد اروپایی خارج شد. به نظر کارشناسان، این توافق می‌توانست جلوی زیان ۴۰ میلیارد پوندی

36. ECHR

37. Agreement on the withdrawal of the United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland from the European Union and the European Atomic Energy Community, 19 October 2019.

انگلیس در ۲۰۲۱ و از بین رفتن ۳۰۰ هزار شغل در صورت خروج بدون توافق انگلیس از اتحادیه اروپا را بگیرد. توافق یادشده به طرفین امکان تجارت بدون تعرفه کالا را می‌دهد.

با بررسی این توافقنامه از منظر حقوق مکتسب طبق تعریف ارائه‌شده ملاحظه می‌شود که هرچند در این توافقنامه به صورت مشخص، بخشی به حقوق مکتسب تخصیص داده نشده است، ماهیت و اعتبار حقوق مکتسب کاملاً بر تصمیمات مذاکره‌کنندگان آن مؤثر بوده است. همان‌طور که گفته شد، حق تابعیت، حق اقامت دائم و حق مالکیت در مواردی که توسط شهروندان اجرا شده است پس از کسب، محترم شمرده شده‌اند و مورد حمایت قرار گرفته و ادامه خواهند یافت. همچنین سایر حقوقی که مطابق شرایط قانونی کسب شده‌اند و نیاز به ادامه آن‌ها چه به صورت دائم و چه موقت بوده، محترم شمرده شده و مورد حمایت قرار گرفته‌اند.

به‌طور مشخص به حق شهروندی و تابعیت و اقامت دائم خانواده، کارگران مرزی و حق حضانت مندرج در دستورالعمل EC/۳۸/۲۰۰۴ در مواد ۹ و ۱۰ اشاره و به ادامه حق اقامت در ماده ۱۱ با این مضمون اشاره شده است: «ادامه اقامت در موارد مواد ۹ و ۱۰ نباید تحت تأثیر فقدان حضور مندرج در ماده (۲) ۱۵ قرار گیرد. حق اقامت دائم کسب‌شده طبق دستورالعمل EC/۳۸/۲۰۰۴ قبل از اتمام دوره انتقالی، از طریق فقدان حضور در کشور محل اقامت برای مدت مندرج در ماده (۳) ۱۵ نباید از دست‌رفته تلقی شود». حقوق اقامت طبق ماده ۱۳ با همان محدودیت‌های مندرج در دستورالعمل EC/۳۸/۲۰۰۴ ادامه خواهند یافت و حق اقامت دائم طبق ماده ۱۵ و بندهای ۱ و ۲ و ۳ آن به شرح زیر ادامه خواهند یافت:

۱. شهروندان اتحادیه و اتباع انگلیس و اعضای خانواده آن‌ها که به‌طور قانونی مطابق قانون اتحادیه برای یک دوره مداوم پنج‌ساله یا برای دوره مشخص‌شده در ماده ۱۷ دستورالعمل EC/ ۳۸/۲۰۰۴ در کشور میزبان اقامت داشته باشند، باید حق داشته باشند تحت شرایط مندرج در مواد ۱۶، ۱۷ و ۱۸ بخشنامه EC/ ۳۸/۲۰۰۴ به‌طور دائم در کشور میزبان اقامت کنند. دوره‌های اقامت قانونی یا کار مطابق با قانون اتحادیه، پیش و پس از پایان دوره انتقال باید در محاسبه دوره ارزیابی لازم برای کسب حق اقامت دائم لحاظ شود.

۲. تداوم اقامت به منظور کسب حق اقامت دائم باید طبق ماده (۳) ۱۶ و ماده ۲۱ دستورالعمل EC/۳۸/۲۰۰۴ تعیین شود.

۳. پس از کسب، حق اقامت دائم باید فقط به دلیل عدم حضور در کشور میزبان برای مدت بیش از پنج سال متوالی از بین برود.

دیده می‌شود که در موافقت‌نامه خروج به‌طور مشخص به حقوقی که به‌صورت قانونی کسب شده، و به تداوم آن‌ها پس از خروج انگلیس از اتحادیه اروپا اشاره شده است. بنابراین می‌توان گفت که حقوق مکتسب در قوانین اتحادیه اروپا و انگلیس پس از خروج انگلیس از اتحادیه اروپا

مورد احترام واقع و از آن حمایت شده است. اینکه از این حقوق در موافقت‌نامه خروج حمایت شده به این معنی است که حقوق مکتسب مورد احترام واقع شده و تداوم آن پس از اختتام معاهده که از جمله خصوصیات حقوق مکتسب است مورد توجه قرار گرفته است و این موافقت‌نامه، شرایط قانونی لازم را برای تداوم حقوق مکتسب در وضعیت حقوقی جدید و در طول زمان فراهم می‌آورد.

بنابراین در هنگام انعقاد معاهدات بین‌المللی باید توجه ویژه‌ای به حقوق مکتسب ناشی از آن‌ها شده و شرایط و آثار تداوم آن‌ها پس از لغو، فسخ، خروج و اختتام معاهده به‌دقت مورد توجه قرار گیرد و تا حد امکان به‌صراحت و روشنی به آن پرداخته شود. اثر تغییر شرایط و اوضاع و احوال و اعتبار آن در طول زمان و در سیستم‌های حقوقی مختلف به‌روشنی مشخص شود. با مطالعه نظام حقوقی اتحادیه اروپا طبق نظریه جدید، درک بهتری از تعریف حقوق مکتسب به دست آمد و شکل‌گیری آن طی مراحل مختلف روشن‌تر مشاهده شد. معلوم شد که حقوق مکتسب از جمله حقوقی است که در سه مرحله شناسایی حق طبق قانون و اجرای حق و اعتبار آن نزد محاکم ملی و بین‌المللی شکل می‌گیرد و لذا بر این اساس در هنگام مذاکرات بین‌المللی همچون مذاکرات برجام می‌توان سند مذاکرات را طوری تنظیم کرد که حقوق شناسایی شده در آن‌ها و نحوه اجرای این حقوق طوری شکل گیرد که از ماهیت حقوق مکتسب برخوردار شوند و در صورت عدم احترام به آن‌ها یا خروج یکی از طرفین معاهده بتوان از اعتبار آن‌ها نزد محاکم برای استیفای این حقوق استفاده کرد.

نتیجه

ماهیت حقوق مکتسب طوری است که پس از اجرای یک حق قانونی شکل می‌گیرد و وضعیت ادامه آن به حمایت قانونی نیاز دارد یعنی تداوم آن هم باید قانونی باشد. بنابراین هر حقی که طبق قانون اجرا شده باشد از ماهیت حقوق مکتسب برخوردار است و می‌تواند نزد محاکم داخلی و دیوان‌های بین‌المللی، احترام به آن درخواست و به آن استناد شود. این در مورد نظام حقوقی اتحادیه اروپا که بر پایه معاهدات بین‌المللی شکل گرفته است که در مجالس کشورهای عضو تصویب و به قانون تبدیل شده صادق است.

حقوق بین‌الملل دارای خصوصیات منحصر به فردی است. تابعین آن تحت یک سیستم حقوقی بین‌المللی قرار دارند و بخصوص در معاهدات بین‌المللی از تعداد کثیری برخوردارند. بنابراین قواعد آن از اعتبار بین‌المللی برخوردار است.

هرچند با تعریف جدید، تمام حقوق شناسایی شده در معاهدات اتحادیه اروپا از قابلیت تبدیل

شدن به حقوق مکتسب برخوردارند، در این میان حقوق افراد و شرکت‌ها از جمله حق تابعیت، حق اقامت دائم و به تبع آن حق مالکیت، از جمله مهم‌ترین حقوقی هستند که می‌توان در حقوق اتحادیه اروپا از آن‌ها به‌عنوان حقوق مکتسب نام برد. حق تابعیت از جمله حقوق بنیادین در یک نظام حقوقی است که تمام حقوق شناسایی شده دیگر از جمله حق اقامت دائم و حق وابسته به آن یعنی حق مالکیت از آن ناشی می‌شود. در معاهدات اتحادیه اروپا حق اقامت دائم به‌عنوان حق مکتسب ناشی از حق تابعیت اتحادیه اروپا مطرح شده است. هرچند پس از خروج یک دولت عضو از اتحادیه، حقوق افراد و شرکت‌های مقیم آن کشور تحت نظام حقوق داخلی قرار می‌گیرد، این حقوق به‌عنوان حقوق مکتسب در برگزیت یا همان روند خروج انگلیس از اتحادیه کاملاً مورد حمایت واقع شده و در توافقتنامه خروج به تداوم آن‌ها اشاره شده است.



منابع:

الف. فارسی

- رحیمی مهر، آرش؛ *اعتبار حقوق مكتسب در حقوق بین الملل عمومی*، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۹.

ب. انگلیسی، فرانسوی و اسپانیولی

- English Books

- Brownlie. J., *The Rule of Law in International Affairs*, The Hague: Martinus Nijhoff, 1998.
- Kontorovich, E., *Inefficient Customs in International Law*, The Law School, University of Chicago, 2007.
- Lauterpacht, Sir Hersch; *The Development of International Law by the International Court*, 1958, cited by Jennings.
- Mc Naire, *The law of Treaties*, 2nd ed., 1961.
- Phoebus, L. Athanassiou, Shaelou, Stéphanie Laulhé; "EU Citizenship and its Relevance for EU Exit and Secession"; in Dimitry Kochenov (ed.) *EU Citizenship and Federalism, The Role of Rights*, Cambridge University Press, 2017.
- Postema, G. J., Boshamer, C. C.; *Custom in International Law: A Normative Practice Account*, edited by Amanda Perreau-Saussine, 2007.

- French & Spanish Books

- Duguit, L.; *Traité de Droit Constitutionnel*, vol. II.
- Kelsen, H.; *Théorie pure du droit*, Paris, 1962.
- Remiro Brotóns, A.; *Derecho internacional público. 2. Derecho de los tratados*, Madrid: Tecnos, 1987.
- Yannakopoulos, C.; *La Notion de Droits Acquis en Droit Administratif Français*, Librairie Générale de Droit et de Jurisprudence, Paris, 1997.

- Articles

- Ascensio, Hervé; "Termination and Suspension of the Operation of Treaties, s.5, consequence of the invalidity, termination or suspension of the operation of a treaty, Art.70 1969 Vienna Convention"; Volume II, Part V Invalidity Oxford Public International Law, (<http://opil.ouplaw.com>). (c) Oxford University Press, 2015.
- Dawson, M., Augenstein, D., "After Brexit: Time for a Further Decoupling of European and National Citizenship?", in *Verfassungsblog*. <http://verfassungsblog.de/brexit-decoupling-european-national-citizenship/> DOI: <http://dx.doi.org/10.17176/20160714-114950>. 14 July 2016.E.

- Fernández Tomas, A., López, G., D., “The Impact and Consequences of Brexit on Acquired Rights of EU Citizens Living in the UK and British Citizens Living in the EU-27”, Directorate-General for Internal Policies of the Union, European Parliament, study for AFCCO Committee; 2017.

- International Instruments

- Agreement on the withdrawal of the United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland from the European Union and the European Atomic Energy Community, 19 October 2019.
- Treaties of the European Union.
- Treaty on the Functioning of the European Union.
- Vienna Conventions on the Law of Treaties.
- Waldock, Sir Humphrey; Second Report on the Law of Treaties, A/CN.4/156.
- Wood, M.; Special Rapporteur, International Law Commission. (2014). Second Report on Identification of Customary International Law, A/CN.4/672.

- Judicial and Arbitral Awards

- Case C-34/09 Gerardo Ruiz Zambrano v. Office national de l'emploi (ONEm) (Reference for a preliminary ruling from the tribunal du travail de Bruxelles) ECLI:EU: C:2011: 124.
- Case No: CO/3809/2016 and CO/3281/2016. Gina Miller & others against The Secretary of State for Exiting the European Union.
- CJEU, judgment of 16 June 1998, Racke.
- ICJ, Barcelona Traction Case, Judgment of 5 February 1970.
- ICJ, Ahmadou Sadio Diallo, Judgment of 30 November 2010, Merits.
- ICJ, Ahmadou Sadio Diallo Judgment of 24 May 2007. Preliminary Objections.
- ICJ, Ahmadou Sadio Diallo, judgment of 30 November 2010, Merits.
- ICJ, judgment of 5 February 1970, Barcelona Traction Case.
- PCIJ, Series A, no. 7, Certain German Interests in Polish Upper Silesia (Merits), Judgment, 25 May 1926, p 42. See also PCIJ, Series B, no. 6, German Settlers in Poland, Advisory Opinion, 10 September 1923.